



کاردستی

● سعیده موسویزاده

کرم کوچولوی سبز
برگِ صافی را جوید
با دهانش خِرت و خِرت
دور آن را چید و چید

دال‌بُر شد دور برگ
هفت و هشت ریزریز
کاردستی ساخت کرم
با برش‌هایی تمیز



مادر

● مریم اسلامی

فرش اتاق مادرم را
با حوصله جارو کشیدم
خودکارهایش را مرتب
در گوشه‌ای از میز چیدم

یک دستمال گردگیری
آوردم و نمناک کردم
گلدانِ او را آب دادم
لپ‌تاپِ او را پاک کردم

گفتم به او روزت مبارک
وقتی که آمد از اداره
خندید و در چشمان شادش
دیدم دو تا برق ستاره

